

حسن رضایی^۱

چکیده

در عصر اطلاعات و ارتباطات، دنیای حقوق-فقه در ایران امروز نیز بر اثر تعامل فزاینده با فضای سایبری، به ویژه اینترنت و رسانه‌های دیجیتال اجتماعی^۲، به طور روزافزونی در تغییر و تحولی کم نظیر است. این پدیده را می‌توان نوعی فراگیری دیجیتالی فقه-حقوق تلقی کرد که در ابعاد مختلف خیال آسودن هم ندارد. مقاله حاضر در صدد آن است تا برخی اشکال موجود تعامل میان حقوق‌دانان فقیه ایرانی، فقیهان سنتی و متکلمان حوزه و دانشگاه با فضای توسعه یابنده سایبری در ایران امروز را واکاوی کند و بکوشد از این رهگنر دورنمایی از آینده این تحولات به دست آورد. مقاله ابتدا این کار را با دقت روی برخی نمونه‌های واقعی تغییر در فهم فقهی-حقوقی دنبال می‌کند. پیش فهم مقاله این است که حقوق-فقه ایرانی در پیوندی مستمر با فناوری‌های ارتباطی نوین از یکسو، و درگیری مستقیم با مسائل اجتماعی روز مانند موضوعات خاص چندوجهی مانند حقوق بشر و نسبت آن با نظم حقوقی-فقهی خاص جمهوری اسلامی از سوی دیگر، قابلیت تحول جدی دارد. تز اصلی نوشتار این است که هر چه بیشتر امکانات رسانه‌های آنلاین و دیجیتال در نزد حقوق‌دانان-فقیهان ایرانی رشد کند، به همان اندازه امکان پدیدار شدن یک تحول پارادایمی در حقوق-فقه ایرانی و اصول تفسیری و استنباطی رایج بیشتر می‌شود. در توصیف این تحول پارادایمی می‌توان گفت تحولی است از حقوق و فقه اسکولاستیک، حکومتی، نامقایسه‌ای و تقریباً بسته به یک فقه و اصول حقوق بشری، مقایسه‌ای، و البته بازتر و پلورال‌تر از وضعیت کنونی. مقاله حاضر، جا به جا، نماهایی از این تحول را در اینترنت ایرانی برجسته می‌سازد.

کلیدواژه: فضای سایبر؛ فضای شبکه‌ای و دیجیتالی شده عمومی، حقوق‌دان فقیه، فهم فقهی؛ تغییر پارادایم؛ اینترنت ایرانی

۱. دکترای حقوق کیفری از دانشگاه تربیت مدرس تهران و پژوهشگر حقوق کیفری تطبیقی از دانشگاه فرایبورگ آلمان

Email: hassan.rezaei@gmail.com

۲. Social Media

در تاریخ تحول و تکامل علم-فن حقوق در ایران معاصر نادرند استادانی همچون استاد جعفری لنگرودی که موفق شده باشند با "اجتهادی" در خور و در عصری که دسترسی به منابع هرگز مانند امروز به آسانی نبود، از گذرگاه بسته و ناروشن فقه و اصول و فلسفه و کلام و تاریخ و عرفان سنتی، آن گونه که معمولاً در حوزه‌های علمیه تحقیق و تدریس می‌شده است، راهی اصیل و تا حدودی روشن به حقوق‌دانی و حق‌مداری متناسب با زمان و مکان پیش پای ایرانیان گذاشته باشند. از این جهت حق پیشکسوتی وی بر همه پژوهشگران و معلمان حقوق در ایران زمین روشن است. هم‌اینک ما نسل کنونی حقوقی در میانه دورانی تازه‌تر از دوران لنگرودی هستیم که به دلیل هرچه دیجیتالی شدن منابع فقهی، به شکلی باور نکردنی و در چشم بهم زدن می‌توانیم به جزئی‌ترین خوانش‌ها و فتاوا و رویکردهای گذشتگان دسترسی یابیم. این امکان نظری برای ما عموم حقوق‌دانان ایرانی هم اینک فراهم شده است تا ضمن خوانش پیوسته سنت و عبرت از بصیرت‌های استادان پیشگام حقوق جدید در ایران، بکوشیم راه را برای نوسازی حقوق ایرانی روشن‌تر و فراختر کنیم. بنابراین، به نظر می‌رسد امکانات فوق‌العاده ارتباطی امروزی و فرایند سریع دیجیتالی شدن سامانه‌های عدالت یکی از روزه‌های شگرف برای تحول علم-فن حقوق در ایران ماست و باید قدر دانسته شود.

چگونگی‌های تعامل علمی و پژوهشی و حرفه‌ای میان حقوق‌دانان فقیه ایرانی^۱، از یک سو، و میان خود فقیهان و متکلمان حوزه و دانشگاه با مقتضیات و امکانات فضای سایبر جای تحقیق جدی دارد و ما در ایران هنوز در ابتدای این راهیم. مجموعه این تعاملات مجازی که طبیعتاً در پیوندی مستمر با مسائل اجتماعی روز رخ می‌دهد، از جمله موضوعات خاص چندوجهی در نظم حقوقی-فقهی خاص جمهوری اسلامی است. پرسش سرنوشت‌سازی که پیش روی ماست این است که چه نسبتی است میان رشد امکانات رسانه‌های سایبر و دیجیتال در نزد حقوق‌دانان-فقیهان از یکسو و امکان پدیدار شدن یک تحول پارادایمی در حقوق-فقه ایرانی و اصول فقه رایج، از سوی دیگر. تا چه اندازه می‌توان امیدوارانه به این تحول نگریست تا حدی که سخن از نوعی تحول پارادایمی به میان آید، یا به بیان دیگر تحول از فقه و اصول اسکولاستیک، حکومتی، نامقایسه‌ای و تقریباً بسته به یک فقه و اصول حقوق بشری، مقایسه‌ای، بازتر و چند صدایی‌تر؟^۲

۱. اصطلاح حقوق‌دانان فقیه که شاید در فضای علمی حقوق ایران تازگی داشته باشد به این منظور به کار می‌رود تا اشاره مستقیمی به گروه زیادی از محققان و استادان حقوق در رشته‌های مختلف در دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی ایران، به خصوص در تهران و قم و مشهد، بشود که مبنای فهم و تحلیل گزاره‌ها و مسائل حقوقی نزد آنها نه فقه به تنهایی است و نه حقوق در معنای جدید، بلکه ذهنشان به هر دو منبع، کم و زیاد البته، همزمان متوجه است.

۲. Hassan Rezaei, «Islamic Sharia and Cyberspace: Reflections on Interactions of Sharia and Iranian Society in Cyberspace», in Beiträge zum Islamischen Recht IV, S. Tellenbach & T. Hanstein (Hrs.), Frankfurt, Peter Lang Verlag, ۲۰۰۴, p. ۱۰۵-۱۲۵

مقاله کنونی در عین حال که این تحول را امری جبری نمی‌بیند، به عنوان یک افق و امیدی که دلایل و امکانات متعددی برای تحقق آن در دسترس می‌بیند قبول دارد. دو پیش فرض اساسی در این باره عبارتند از: ۱. افزایش و شدت فوق العاده فضای گفت‌وگویی و مواجهه و تعامل و تبادل فکری میان دانشگاهیان، مردم عادی، حوزه‌های دینی و "دیگران" که نتیجه گسترش اینترنت و رسانه‌های دیجیتال در همه جای جهان^۱، به طور نسبی، و با گسترش رسانه‌های بازتری مانند تلگرام و فیس بوک و واتس‌آپ در ایران، به ویژه هست ۲. میل شدید حقوق‌دانان فقیه، شریعتمداران و شریعت‌پژوهان مسلمان به ارتباط‌گیری و تبلیغ که خود تحت تاثیر آموزه‌هایی است که در آنها بر عنصر جهان شمولی دین و شریعت به ویژه نوع شیعی آن که بر عناصر عقل و عدالت تاکید خاصی دارد تاکید می‌شود.

۲- دیجیتالی شدن متون

نهضت‌گونه‌ای برای تدوین و ارایه انبوه آثار فقهی و اصولی و فلسفی و کلامی و روایی و رجالی و لغوی در حوزه از همان آغاز ورود رایانه به ایران تقریباً از سال ۱۹۹۶ تا امروز در جریان است. در ایران معاصر بی‌شک باید گفت که این حوزه بوده است که جلودار دیجیتالی شدن دانش‌ها و معارف خاص خودش بوده است نه دانشگاه. در این میان مقایسه‌ای گذرا میان حجم و کیفیت کارهای انجام گرفته در حوزه و دانشگاه حاکی از این است که هنوز دانشگاه‌ها و دانشکده‌های علوم انسانی با وضعیت نامطلوبی در رابطه با توسعه فضای سایبر و امکانات نرم افزاری مواجهند به گونه‌ای که به نظرم وضع حوزه و دانشگاه دست کم در این زمینه چندان قابل مقایسه نیست. حوزه‌ای که همه می‌گویند متعلق به سنت است از این جهت واقعاً پیشرفته شده است و از دانشکده‌های حقوق مدرن ما خیلی جلوتر افتاده است. در حوزه سالهاست که موضوع رسانه‌های دیجیتالی و استفاده از فضای سایبر به طور جدی مطرح است تا حدی که از جهاتی می‌توان قم را شهر پیشقراول آی تی در زمینه علوم انسانی در ایران نامید.

اما گذشته از این تصویر ظاهری، آنچه به طور خاص در زمینه مطالعات فقه قابل توجه است امکانی است که به واسطه همین نرم افزارها برای فهم مقایسه‌ای و درک تفاوت‌های درون فقه‌ها و نیز میان حقوق‌دانان و فقها در موضوعات مختلف پدید آمده است. نرم افزارهای متعدد آموزشی و پژوهشی که با عنوان معجم‌های فقهی-حقوقی و روایی و کلامی عمدتاً در قم تهیه شده‌اند هم اینک نسخه‌های ۲ و ۳ و ۴ آنها با امکانات پیشرفته جست‌وجو و تحقیق در دسترس است. یکی از پروژه‌های خوب در این زمینه

۱. برای بحث میان رشته‌ای درباره تاثیرات اینترنت بر زندگی‌های اجتماعی و سیاسی و پژوهشی از زوایای مختلف مراجعه کنید به:

The Oxford Handbook of Internet Studies, ed. by William H. Dutton. Oxford University Press, ۲۰۱۳



"ویکی فقه" است که با همکاری پژوهشکده باقر العلوم (ع) و صدای بهار پیاده‌سازی می‌شود. بنابر اعلام سایت، محتوای ویکی فقه توسط پاره‌ای طلاب در قم، مشهد، نجف و سایر حوزه‌های علمیه تهیه و در حال تکمیل و توسعه روزانه است که تا این تاریخ دارای ۵۲۳۹۴ مقاله در زمینه علوم دینی و فقه است.^۱ ویکی فقه به عنوان یک دانشنامه آنلاین امکان واضحی برای مقابله آرای فقهی و اصولی و در نتیجه نوعی هم‌افزایی در درس و بحث حوزوی در طول تاریخ حوزه فراهم آورده است. بنیان‌گذاران ویکی فقه در بیان هدف خویش می‌نویسند: "...ویکی فقه ابزاری است برای تولید دانشنامه توسط طلاب قم، نجف، مشهد و شهرستان‌ها و سایر کشورها. تولید محتوا بر عهده طلاب است و تلفیق ویکی فقه، مدرسه فقاہت و کتابخانه اینترنتی، ابزارهای لازم برای بیان دیدگاه‌های فقهی را فراهم می‌آورد تا زمینه استنتاج قوی‌تر را به وجود آورد."^۲ گفتنی است ما در حوزه حقوق ایران هنوز از چنین فرصتی بی‌بهره‌ایم.

تحول جالب دیگر در این زمینه وجود انواع دایره المعارف‌ها و معجم‌های فقهی، روایی، تاریخی و رجالی است که روی تلفن‌های هوشمند و لپ‌تاپ‌های اکثر دین‌پژوهان در هر جای دنیا که باشند نصب شده است. بگذریم که بعضا نسخه غیرقانونی بسیاری از این نرم افزارها با این استدلال مصلحتی-فقیهانه که حق کپی رایت چندان در ایران معتبر نیست، مورد استفاده همه گیر است!^۳ به هر حال، تصور اینکه دسترسی به این توانایی فنی باعث شود که یک طلبه ساده که در جلوی یک تلفن هوشمند یا رایانه باز است، استاد و مرجع خویش را با دقتی بالا در همان سر جلسه درس به چالش جدی بکشد، طبیعی نشان می‌دهد. فقط تصورش را می‌توان کرد که نتیجه‌گیری‌های فقهی در مواجهه با یک جست و جوی سریع در انواع دلایل فتوا در همه مذاهب و یا تشخیص میزان اعتبار و وثاقت یک راوی و یک روایت با این نرم افزارها و دیگر روشهای آنلاین به چه سرنوشتی رسیده است. از یکی از مراجع معروف قم که خودش استاد رجال است نقل می‌کنند که او با حسرت می‌گوید (نقل به مضمون) ما یک عمری در رجال صرف کردیم و چه زحمت‌ها کشیدیم تا بفهمیم چه کسی ثقة است و چه کسی نیست، حالا هر طلبه‌ای با استفاده از نرم افزار ویژه رجال‌شناسی می‌تواند به این مهارت‌ها دست یابد. در واقع می‌توان گفت در

۱. بر اساس صفحه لول سایت در تاریخ سوم خردادماه ۱۳۹۸.

<http://www.wikifeqh.ir/>

۲. <http://www.baharsound.ir/wikifeqh/>

۳. گفتنی است طبق فتوای رهبر فقید انقلاب اسلامی کپی رایت یک حق معتبر به لحاظ شرعی نیست. اما در حال حاضر اکثریت مراجع زنده شیعی تا آنجا که من بررسی کرده‌ام بنابر ضرورت‌های اجتماعی بر حق بودن این موضوع و لذا حرام بودن تکثیر نسخه‌های غیرقانونی از نرم افزارها اذعان دارند. ولی با توجه به اینکه آیت الله خمینی رعایت قانون را بر همه شهروندان لازم می‌دانستند می‌توان گفت که از دیدگاه ایشان نیز کپی رایت در حدود مقرر قانونی به رسمیت شناخته شده است.

برخی علوم سنتی حوزه این نرم افزارها کاری کرده‌اند که یک محقق دینی شاید بیش از ۵۰ سال از عمرش را می‌باید در آن صرف می‌کرد تا در آن رشته حرفی برای گفتن داشته باشد و سخنش معتبر شناخته شود.

پاره‌ای از نواندیشان مسلمان سالهاست بر این نکته اصرار دارند که اجتهاد در فروع متحول نخواهد شد مگر آنکه اول اجتهاد در اصول رواج یابد.^۱ از این دیدگاه، باید گفت در دوره‌ای که هم فروع و هم اصول و هم مبانی ریشه‌ای‌تر کلامی و عقائدی فقیهان در عرض هم و در نزدیکی یکدیگر قابل رویت می‌شوند پس می‌توان به امکان واقعی تحول پارادایمی در فقه و اصول شیعه تا حدودی امیدوار شد. به دلیل در دسترس بودن همزمان بی‌شمار منابع فقه و کلام و به ویژه امکان فوق العاده برای مقایسه و مقارنه رسیدن به مبانی اجتهاد و بازاندیشی آنها باید به مراتب آسانتر از گذشته شده باشد.

در همین زمینه و شاید به عنوان یک نشانه می‌توان به کنش و واکنش‌های مراجع دینی موجود در رابطه با مسائل روز توجه کرد. مدتی است که دیگر دفتر هیچ مرجعی نمی‌تواند به انواع ایمیل‌های پرسشگر و بلکه چالشگر از سرتاسر نقاط عالم بی‌توجه باشد. بیانیه‌ها و پاسخ‌ها و نحوه تعامل دفتر مرحوم آیت الله منتظری با سوالات و گاه نقدهای بلندبالای ارسالی از داخل و خارج در این باره یک پدیده است، اما به نظر می‌رسد سایر مراجع مدعی نیز دارند پی به این نکته می‌برند و خوب می‌دانند اگر در سر هوای حضور در صحنه فقه روز را می‌پروراند راهی جز این ندارند.

همین جا اشاره به معجم عظیم فقهی که دارالقرآن آیت الله گلپایگانی تدوین کرده است هم مفید است. در قالب این نرم افزار تاکنون حجم باورنکردنی‌ای از متون فقهی، اصولی تفسیری و عقائدی و سایر رشته‌های مرتبط مانند لغت و تاریخ از اولین دوران ظهور این معلومات/دانشها تا امروز همه در یک دی وی و با کمیتی در حدود پنج هزار جلد کتاب گردآوری شده است. به موازات همین پروژه معجم مرکز بزرگ دیگری هم در قم به نام موسسه نور (مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی) هست که آنها هم یک برنامه مشابه معجم فقهی تحت عنوان جامع فقه اهل البیت ۲ حاوی متن کامل ۱۲۵۰ عنوان کتاب و رساله فقهی در بیش از ۳۰۰۰ جلد از ۴۱۰ مؤلف نشر داده‌اند. این مرکز زیر نظر دفتر رهبری است و با بودجه دولتی اداره می‌شود. اما کار مرکز آیت الله گلپایگانی در واقع باید گفت تماما از سنخ مشارکت بخش خصوصی و جامعه مدنی است زیرا بودجه و تشکیلاتش و مدیریت آن همه و همه مستقل از دولت و یا دفتر رهبری است. غالب کسانی که هم از نرم‌افزار مرکز نور استفاده کرده‌اند و هم از نرم افزار مرکز آیت الله گلپایگانی تصدیق می‌کنند که محصول مرکز دولتی نور در مقایسه بسیار

۱. برای نمونه رجوع کنید به آثار مختلف محمد مجتهد شبستری به ویژه کتاب "کلماتی بر قرئت لسانی از دین"؛ تهران: طرح نو، ۱۳۸۳.

ابتدایی‌تر تدوین شده است. و در مقایسه بین نرم افزارهای تهیه شده توسط حوزه‌های شیعه و سنی تا آنجا که من بررسی کرده‌ام معجم فقهی مرکز ایت‌الله گلپایگانی از نسخه‌ای هم که در کویت تحت عنوان "الحرف" برای فقه اهل سنت با هزینه مادی بسیار زیاد نشر یافته است فراگیرتر و پیشرفته‌تر است.

۳- قلمرو تاثیرگذاری

در همین زمینه و برای هر چه عینی‌تر کردن بحث اجازه دهید یک مثال از مسائل روز دادگستری بیاوریم. موضوع به بحث مسئولیت کیفری اطفال که در ایران پس از انقلاب و بر اثر طرح فقهی‌سازی قوانین به یک معضل بزرگ حقوق بشری و انسانی در ایران بدل شده است، بر می‌گردد. کوتاه اینکه حتا تا همین امروز که با تصویب قانون مجازات اسلامی جدید ۱۳۹۲ تحولاتی مثبت، هرچند مبهم، در این باره صورت گرفته است، کیفردهی اطفال به ویژه کیفر اعدام در خصوص افرادی که در هنگام ارتکاب جرم زیر ۱۸ سال سن داشته‌اند، یک موضوع حاد حقوق بشری برای نظام جمهوری اسلامی است. اطفال در صورت ارتکاب جرم، مشمول اقدامات تربیتی، آموزشی و سایر تدابیر جایگزین با تمرکز بر بازپذیری اجتماعی قرار می‌گیرند. مقررات بین‌المللی، مانند کنوانسیون کودک که ایران هم عضو مسئول است، مقررات پکن و غیره اجرای مجازات‌هایی مانند اعدام یا حبس ابد را به لحاظ تعارض آشکار با مقررات مندرج در اسناد حقوق بشر و آثار منفی آن بر محکوم علیه نسبت به اطفال زیر ۱۸ سال مطلقاً ممنوع اعلام کرده‌اند. در قوانین کیفری ایران پس از انقلاب، به ویژه در قانون مجازات اسلامی سابق (تبصره یک ماده ۴۹)، رسیدن به «بلوغ شرعی» به عنوان حد سن رشد کیفری تعیین شده بود. در قانون مجازات اسلامی جدید نیز در کنار پذیرش معیار سن ۱۸ سالگی به عنوان سن رشد، همزمان تقسیم‌بندی تدریجی دیگر نیز ارائه می‌کند به نحوی که دوره خردسالی به چهار دوره شامل بدو تولد تا ۹ سالگی، ۹ تا ۱۲ سالگی، ۱۲ تا ۱۵ سالگی و ۱۵ تا ۱۸ سالگی تقسیم شده است. این در حالی است که به موجب قانون سابق، تبصره یک ماده ۴۹، طفل به عنوان فردی که هنوز به بلوغ شرعی نرسیده است، تعریف شده بود. در قانون جدید ضمن اینکه سن معیار برای طفولیت را تا ۱۸ سالگی معرفی کرده همزمان با ارائه تعریف سن بلوغ، مسئولیت کیفری را برای گروهی از اطفال و نوجوانان شناسایی کرده است. به نظر می‌رسد رویه دادگاه‌های کیفری در ایران هنوز با قانون جدید سامان نگرفته است. این واقعیت در حالی است که مسئولان بین‌المللی و قضایی جمهوری اسلامی بسیار مایلند نشان دهند که با قانون جدید سن مسئولیت کیفری اطفال در ایران با معیارهای حقوق بشری جهانی هماهنگ شده است؛ یعنی ممنوعیت اجرای مجازات به ویژه اعدام برای افراد زیر ۱۸ سال اعم از دختر و پسر که کنوانسیون جهانی حقوق کودک که ایران هم عضو آن است تعیین کرده است. در ایران، فقهای شورای نگهبان و بلکه مشهور فقیهان حاضر

در حوزه شیعی مخالفند و می‌گویند همین سن بلوغ شرعی (=تمام شدن ۹ سال قمری برای دختران و ۱۵ سال برای پسران) حکم اسلام است و حتا با وجود فشارهای جهانی ناشی از نهادهای حقوق بشری خوب است به اجرا گذاشته شوند. طبق برخی گزارش‌ها^۱ تا ۱۶۰ کودک در زندانهای ایران زیر حکم اعدام هستند که مطابق معیارهای حقوق بشری کودک محسوب می‌شوند.

چندین سال پیش مرحوم آیت الله مرعشی شوشتری که سابقاً عضو شورای عالی قضایی بود و به طیف روحانیون نسبتاً نواندیش تعلق داشت و با آمدن آیت الله شاهرودی به سمت معاون قضایی وی منصوب شده بود، نظریه فقهی خودش درباره سن مسئولیت کیفری را ارائه داد که در واقع به این طریق راه را بر توقف اجرای اعدام در مورد اطفال بگشاید. او یکی از مستندات اصلی خود را فتوای قدیمی مرحوم علامه حلی در تحریر ذکر کرد که برای قصاص علاوه بر بلوغ شرعی احراز رشد هم لازم است. آقای مرعشی با استشهاد به نظر مرجع معتبری مانند علامه ظاهراً می‌خواست مبنای تحولی در نظام عدالت مربوط به اطفال در ایران شود. اما بلافاصله در تحولی دیگر در حوزه، یکی از پژوهشگران حوزوی که متبحر در کاربرد نرم افزارهای فقهی نیز بود در مقاله‌ای^۲ برای رد این استدلال نشان داد که استنادات آقای شوشتری دقیق نیست. این نویسنده با استفاده از روش پژوهش دیجیتال و جستجوی جامعی که از طریق نرم افزارهای موجود شامل تمام آثار فقهی علامه حلی انجام داده بود کوشید معنای کاملتری از آنچه مورد نظر علامه از واژه رشد در کلیت اثرش بود را نمایان سازد. او بر مبنای این جستجو به راحتی معنای دیگری از سخن علامه در تحریر به دست آورد که مغایر با برداشت آقای مرعشی بود، در عین حال که خودش در پایان مقاله می‌گوید با اصل ادعای آقای مرعشی در مورد لزوم احراز سن رشد موافق است و تنها خواسته است نشان دهد که این استدلال ایشان مبنای دقیق ندارد. نکته مهم اما نحوه تحقیق اوست، بدین گونه که وی توضیح می‌دهد که برای این کار در معجم آنلاین فقه به سادگی کلید واژه‌های رشد و بلوغ را جستجو کرده و پس از ملاحظه تمامی موارد استفاده علامه از این واژه به این نظر صریح رسیده است که مراد علامه از رشد در اینجا، عقل (عاقل بودن) است (در برابر جنون) و نه آنچه که آیت الله مرعشی به عنوان معنای ظاهری آن یعنی رشد برداشت کرده است.

۱. رجوع کنید به گزارش مورخ ۲۶ ژوئیه ۲۰۱۶ عفو بین‌الملل

<https://www.amnesty.org/en/latest/news/2016/11/irans-hypocrisy-exposed-as-scores-of-juvenile-offenders-condemned-to-gallows/>

۲. صاحب این مقاله حجت الاسلام حسین ملثمی است. وی این مقاله را درباره لزوم احراز سن رشد کیفری در فصلنامه کتاب زنان نگاشته است و در جزوه درسی فقه جزایی که در نیمسال اول ۸۶-۸۵ در مرکز تربیت مدرس حوزه علمیه قم تدریس کرده، بحث تفصیلی آن را آورده است.

برای اطلاع از این مقاله که در مجله کتاب زنان شماره ۲۳ در بهار ۱۳۸۳ نشر یافته است می‌توانید به نسخه آنلاین مقاله در <http://www.hawzah.net/fa/Article/View/87406> زیر مراجعه کنید:

تصور کنید که مراجعه به تمام موارد استعمال این واژه در تمامی آثار علامه که دارای کتب متعددی است، به سبک سنتی و بدون استفاده از نرم افزار چقدر مشکل و زمان بر است به حدی که فقیه سنتی را از این قبیل تبعات لازم، رویگردان می‌کند. مرادم از ذکر این نمونه این است که نشان دهم که تحول فتواها اگر بدون تحول در کلام و مبانی اجتهاد باشد گرچه با امکانات ارتباطی جدید هر آن ممکن است اما حرکت عکسش هم به همین دلیل امکان پذیرتر شده است. بنابراین موضوع رابطه فقه و دنیای دیجیتال را نباید امری جبری تصور کرد. اما با همه این وجود افق برای تحول در حال حاضر از همیشه بازتر است. در زیر تلاش می‌کنم دلایل دیگری برای این خوش‌بینی جست‌وجو کنم.

یک نمونه جالبتر با ابعاد اجتماعی گسترده انتشار کتابی بیش از ۱۰۰۰ صفحه تحقیقی در سال ۱۳۹۰ تحت عنوان «حجاب شرعی در عصر پیامبر» است که به نظر می‌رسد اگر فضای سایبری امروزی در دسترس نبود هرگز به چنین حدی از انتشار و بحث و مجادله کشیده نمی‌شد.^۱ در واقع این اثر تحقیقی پس از اینکه مجوز چاپ و نشر عمومی به دست نیامد، در قالب سی‌دی و سرانجام در فضای مجازی به صورت بسیار گسترده‌ای پخش و منتشر شد. نتیجه عملی این شد که به سبب همین اقبال سایبری به کتاب فضا در دنیای واقعی مانند حضور در همایش‌ها نیز برای خود نویسنده گشوده شد زیرا معلوم شد که سانسور بی‌اثر بوده است. اثر دیگر همین نویسنده، آقای امیرحسین ترکاشوند^۲ نسخ سنگسار توسط اسلام^۳ است که همچون کتاب قبلی فقط توانست در فضای سایبر نشر وسیعی پیدا کند.^۴

۴- تفسیر سیستماتیک از شریعت

گذشته از ابعاد هنوز ناشناخته کامپیوترهای کوانتومی و رایانش‌های ابری^۵ که اینترنت از طریق آن در قالب یک دیاگرام شبکه‌ای به نمایش در می‌آید، از جمله امکان‌هایی که به دلیل توسعه تکنولوژی‌های ارتباطی در عالم فقه-حقوق قابل ردیابی است فرصتی است که برای ظهور تفسیرهای سیستماتیک از منابع اولیه فقه و حقوق فراهم آمده است. می‌دانیم که یکی از نقدهای اصلی نواندیشانی مانند محمد باقر صدر و مرتضی مطهری بر پارادایم فقه موجود، جزئی‌نگری، فردی‌گروی و فقدان نظام‌اندیشی در روند استنباط و یا عدم ارائه تفاسیر منسجم و سیستماتیک در موضوعات اساسی مربوط به جامعه مسلمانان بوده است. به‌منظر می‌رسد یکی از دلایلی که کسانی در خود حوزه، با تصرف فقها در امور عمومی مخالفت

۱. برای نسخه کامل و به روز کتاب مراجعه شود به: <https://independent.academia.edu/torkashvand>

۲. نویسنده در گفتوگویی اظهار می‌دارد که تا به حال بیش از ۱۰۰ هزار نفر این کتاب ۱۷-۱۰ صفحه‌ای را خوانده‌اند و تا به امروز در بیش از ۳۰ جلسه گفتوگو و نشست‌های نقد و بررسی با محوریت این کتاب شرکت کرده است.

۳. The Cloud/the Cloud Computing

می‌کرده‌اند به همین شناخت آنها از داشته‌های فقه موجود مرتبط می‌شده است، زیرا به خلأهای ناشی از نگاه غالباً فردی و جزئی نگر به موضوعات نزد فقها آگاه بودند و این نوع نگاه را برای نظم حقوقی در دنیای مدرن مضر و بلکه ویرانگر می‌دانستند. برای مثال می‌توان به آسیبهای ناشی از همین نوع فقه در فهم مقوله کیفر در جامعه مدرن اشاره کرد. از دید فقه سنتی، برای مثال قتل عمدی یک جرم خصوصی تلقی می‌شود و از این رو اختیار مجازات یا عفو کامل قاتل عمدی تنها در دست ولی دم است. همین تلقی در چند سال اول پس از انقلاب از طریق روحانیت حاکم، به دادگستری ایران نفوذ کرده بود و کم‌کم داشت به معضل بزرگ امنیتی برای کشور تبدیل می‌شد که با فتوای رهبر فقید انقلاب که ناشی از نگاهی جامع‌تر به اصل کیفر در متون دینی بود به گونه‌ای حل شد.^۱ شکی نیست که امروزه با امکانات جست‌وجو و پژوهش دیجیتال خیلی زودتر و جامع‌تر از زمان رهبر فقید می‌توان به برداشتی نظام‌مندتر از فقه کیفری دست یافت و سریعتر جلوی این گونه خسارت‌های اجتماعی و امنیتی ناشی از جزئی‌نگری فقهی را گرفت. کوتاه آنکه دسترسی آسان و سریع به جوانب مختلف یک برداشت فقهی در متون دیجیتال شده فقهی-حقوقی، هم موضوع و هم حکم، این امکان را به هر محقق کوشایی می‌دهد تا در نگاهی به موضوع و دلایل استنباط خویش چند بعدی‌تر و نظام‌مندتر پیش رود.

۵- امکان تحلیل گفتمانی

یکی دیگر از ابعاد نوین برخاسته از رسانه‌ها و فن‌آوری‌های اطلاع‌رسانی امکان تحلیل گفتمان‌های درون فقهی است. این نوع تحلیل‌ها نشانگر مرزهای تفکر یک مکتب فقهی-حقوقی نیز می‌تواند باشد. این روش هرچند دارای رویکردهای گوناگونی همچون رویکرد ساختارگرایانه، کارکردگرایانه، معرفت‌شناسانه، تحلیل انتقادی گفتمان، رویکرد پساساختارگرایانه (دیرینه‌شناسی و تبارشناسی) و تحلیل گفتمان لاکلاو و موف است، تا حدودی می‌تواند کاشف از فرا روایت‌های فقهی، هستی‌شناسی فقها و نوع نگاهشان به تعامل میان انسان و متن مقدس باشد.^۲ برای مثال از طریق بررسی میزان تکرار یک واژه یا گفتار خاص، یا یک مسئله فقهی یا کلامی یا تشخیص دستگاه واژگانی فقیه یا متکلم در طول عمرش می‌توان تا حد خوبی به پیش فهم‌ها و علائق او در تفسیر منابع شرعی پی برد.

۱. به‌عنوان نمونه ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی که بر اساس دیدگاه رهبر فقید انقلاب تنظیم شده است به این شرح است: «هرکس مرتکب قتل عمد شود و شاکي نداشته یا شاکي داشته باشد ولی از قصاص گذشت کرده باشد و یا به هر علت قصاص نشود در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد دادگاه مرتکب را به هر حسب از سه تاده سال محکوم می‌نماید. تبصره - در این مورد معاونت در قتل عمد موجب حبس از یک تا پنج سال می‌باشد.»

۲. حقیقت، سید صادق، روش‌شناسی علوم سیاسی، قم، دانشگاه مفید، ۱۳۸۷، ص ۴۶۵.

نکته دیگر در همین رابطه به بحث اجماع و یا بهتر بگوییم ادعاهای اجماع به اضافه شهرت‌های فتوایی بر می‌گردد که همیشه مثل سدی در برابر نواندیشان و دیگر اندیشان در خود حوزه قد برافراشته است. با وجود برنامه‌هایی چون معجم فقهی که می‌توان در مدت کوتاهی هزاران فتوا و نظر را از دوره آغازین فقه تا امروز کنار هم دید و مقایسه کرد بخشی از ادعاهای اجماع تضعیف می‌شوند زیرا این احتمال که در میان چند فقیه برجسته یکی یا چند فتوای دگراندیشانه وجود داشته باشند و با این امکانات جدید آگاهی از آنها هم امکان پذیر باشد دیگر راهی برای فشارهای ناشی از مدعیات به اصطلاح اجماعی نمی‌گذارد. آنهایی که در فضای احتیاط آمیز حوزه کار می‌کنند می‌دانند که این تحول چقدر مهم است. و بالاخره موضوع هایپرلینک (پیوندهای میان متنی) و تأثیر شگرفی است که می‌تواند بر کیفیت بحث‌های سنتی حوزه ایجاد کند. در نسخه‌های جدید پاره‌ای از نرم افزارهای درسی حوزه می‌توان زیر بسیاری از کلید واژه‌ها کلیک کرد و به دهها تعلیق و شرح در آن موضوع خاص همزمان دست یافت. همزمان این امکان برای کتاب‌های مهم درسی حوزه مثل مکاسب و کفایه و عروه ایجاد شده است. می‌دانیم که این آثار از قدیم تا همین امروز به عنوان مواد اصلی درس‌های عالی حوزه رواج داشته‌اند و هر مجتهد صاحب نظری در طول تاریخ فقه و اصول کوشیده است بر این دروس تعلیق و یا نظری^۱ بنویسد و مجموعه این تعلیقات دربرگیرنده متون نسبتاً منسجم علمی و آموزشی است که نه تنها کار تحقیق و مطالعه را برای محققان و مراجعه استادان حوزه در تدریس این کتابهای دشوار درسی آسان کرده است، بلکه سیر تطور اندیشه‌ها و نحوه تعامل صاحبان اندیشه بین خود و با جامعه را نشان می‌دهد. این سنت نیکوی آموزشی که در حقوق غرب هم رواج دارد، در دانشکده‌های حقوق ایران متأسفانه چندان مرسوم نیست.

۶- حوزه علمیه مجازی

این روزها اگر کسی به سایتهای حوزوی مراجعه کند با اصطلاح «حوزه علمیه مجازی» نیز مواجه می‌شود. یکی از این حوزه‌ها حوزه علمیه تبیان^۲ و دیگری مرکز آموزش غیر حضوری حوزه‌های علمیه برای زنان^۳ است که بسیار گسترده است و ضمن ارائه آنلاین دروس حوزوی، شامل همه آموزش‌هایی است که با استفاده از ابزارهای الکترونیکی اعم از صوتی، تصویری، رایانه‌ای، شبکه‌ای و غیره انجام می‌شود. در حال حاضر درس پاره‌ای از مدرسان مطرح حوزه هر روز به صورت زنده روی اینترنت پخش می‌شود. کاربران اینترنتی که در درس شرکت می‌کنند می‌توانند اشکال خود را به صورت متنی بنویسند و

۱. Commentary

۲. <http://hozeh.tebyan.net/newindex.aspx?pid=۹۱۱۹۹>

۳. <http://vu.whc.ir/>

توسط اپراتوری که به عنوان استادیار می‌باشد اشکال به صورت گفتاری پرسیده می‌شود تا حاضرین در جلسه درس و کاربران اینترنتی آن را بشنوند، سپس استاد پاسخ را بیان کند. حتا در آرشیو این شبکه دروس جلسات درس مراجع معروف در گذشته مانند مرحوم خوئی و مرحوم بهجت (ره) نیز در دسترس علاقمندان قرار دارد. شاید بتوان ادعا کرد آن طلبه‌ای که در منزل به صورت آنلاین درس را دنبال می‌کند کارش راحت‌تر شده است و همزمان آزادی بیشتری دارد نگاه انتقادی‌تری به درس استاد داشته باشد. هرچند باید اعتراف کرد هنوز برنامه‌ها و امکانات ارائه شده در این سایتها چندان پیشرفته نیست و بلکه بیشتر به گذاشتن یک دسته منابع درسی خام محدود شده است، ولی در آینده نزدیک به احتمال زیاد شاهد توسعه این بخش از حوزه خواهیم بود.

بدین‌سان، در کنار تحقیق سنتی در دنیای واقعی حوزه‌ها و دانشگاه‌ها، به نظر می‌رسد اندک اندک باید منتظر نوعی مهاجرت فردی و جمعی برای کشف و ساختن دنیای مجازی توسط حقوق‌دانان و فقها باشیم. در مقایسه با فقیهان، حقوق‌دانان ایرانی در این باره باز عقب مانده‌اند. ولی در میان حوزویان قدرتمند در محیط سایبر در جهان شیعه از همه فعالتر سایتها و شبکه‌های وابسته به آیت الله سیستانی است و در عالم تسنن سایت اسلام آن لاین است که از همه پیشروتر است. در این سرزمین مجازی، جدای از موضوع ازدواج موقت که مدتی است راه افتاده است، نسخه آنلاین از زیارت و نماز و تا روزه ماه رمضان تا انجام مراسم حج (الحج الافتراضی) موجود است. در ایران هم آستان قدس رضوی مدتی است خدمات زیارت مجازی ارائه می‌کند. شاید از همین منظر است که به تدریج تلاشهای حوزه برای ساماندهی به فقه زندگی دوم، یا فقه دنیای مجازی^۱ جدی و جدی‌تر می‌شود. برای مثال، ما هم اینک با موجی از فتاوا مواجهیم که حلال و حرام بودن و یا مرزهای رد و بدل کردن عکس در اینستاگرام، چت با نامحرم و یا شرط‌بندی آنلاین و... را مطرح می‌کند. اگرچه شوق مفتیان برای کنترل فقهی سرزمین سایبر کم از دارالاسلام واقعی نیست اما وقتی به ترس فوق العاده آنها توجه می‌کنیم پیداست هنوز بسیاری از سیاست‌گذاران دین مدار به درک روشنی از ابعاد این تحول بنیادین و قواعد بازی در آن نرسیده‌اند آنچه امروزه روشن است این است که درچنین وضعیتی سانسور کمترین توانایی را داراست. میلیونها کاربر آنلاین هر یک با سبک زندگی و فرهنگها و ارزش‌های خاص خود امکانی عظیم برای ارائه خود در این سرزمین جدید بنا یافته‌اند. برای درک ابعاد ناگشوده این موضوع تنها کافی است به آثار کنونی پدیده تلگرام ایرانی که بنابر برخی گزارشها بیش از بیست میلیون کاربر ایرانی دارد توجه کنیم.^۲

۱. یا فقه الحیاه الثانیه Second Life Jurisprudence

۲. <http://www.reuters.com/article/us-iran-cyber-telegram-exclusive-idUSKCN1-D1AM>

موضوع زنده دیگری که برای نشان دادن تاثیر و تاثرات متقابل فهم متون دینی و فضای سایبر در حال حاضر می‌توان به آن پرداخت، به بحث و مناقشه داغی بر می‌گردد که چندین سال پیش از زمان نشر یک گفت‌وگوی کوتاه از عبدالکریم سروش با یک مجله هلندی درباره ماهیت وحی قرآن شروع شده است. برای نخستین بار ترجمه این گفت‌وگو در وب-رادیو زمانه مستقر در آمستردام منتشر شد. این بحث سپس در شکل‌های مختلفش در میان ایرانیان شروع شد و ظاهراً هنوز هم می‌رود تا شدت و وسعت بیشتری بگیرد. آخرین بخش آن گفت‌وگوی تلویزیونی در برنامه پرگار بی‌بی‌سی باحضور سروش و عبدالعلی بازرگان بود که به‌وسیله فیس بوک و تلگرام انعکاس وسیعی یافت.

ویژگی سایبری شدید این بحث هنوز بر بسیاری پوشیده مانده است در حدی که چند گونه تفسیر از این موضوع (یعنی توسعه فوق‌العاده بحث در افکار عمومی) انجام شده است. طرفداران نظریه‌های توطئه می‌گویند شدت یابی این بحث دلیل بر این است که در غرب توطئه گسترده دیگری علیه مقدسات مسلمانان طراحی شده است. این نکته در پاسخ‌های کسانی مانند آقای جعفر سبحانی نیز حتی دیده می‌شود. عده‌ای دیگر آن را به شهرت طلبی آقای سروش و نقش خود او در گسترش این بحث در شرایط حاضر ربط می‌دهند. در این باره سخنان کسی همچون آقای حسن یوسفی اشکوری که خود از منتقدان دین سنتی است شنیدنی است. او می‌گوید: "آقای سروش در بحث تجربه نبوی و در بعضی از نوشته‌های دیگرش همین بحث را قبلاً مطرح کرده بود حالا چرا این دفعه این قدر جنجال ایجاد شد من نمی‌فهمم شاید به دلیل شهرت ایشان بوده است وگرنه که آقای شبستری در تابستان در مجله مدرسه همین حرفها را به شکلی جدی‌تری مطرح کرده بود انعکاس زیادی پیدا نکرد".^۱ به نظر می‌رسد در تفسیر این جنجال فکری در فضای روشنفکری ایران یک عامل اصلی مورد غفلت قرار گرفته است. آنچه در بادی امر می‌توان به عنوان یک پیش فرض قوی مطرح کرد این است که شدت و توسعه و فراگیری این بحث در حال حاضر نسبت مستقیمی با فضای سایبر و امکانات فوق‌العاده ارتباطی‌ای دارد که با اینترنت در اختیار تعداد فراوان کسانی قرار گرفته است که پیشترها یا از اهمیت این بحث‌ها بی‌اطلاع بودند یا این که دسترسی به تنوع موجود در اندیشه‌ها و آرا نداشته‌اند. بنابراین در این بحث که تا قبل از این یکی از پیچیده‌ترین و تخصصی‌ترین و البته تا حدی تابوت‌ترین موضوعات مربوط به دین اسلام به شمار می‌رفت بسیاری از "دیگران‌دیشان" فرصت مشارکت فعال نداشتند و به همین دلیل پارادیم فکری رایج در حوزه

۱. در گفت‌وگو با خبرگزاری آفتاب در تاریخ یکشنبه ۱۸ فروردین ۱۳۷۸

بی‌هیچ رقیب جدی‌ای قلمرو خودش را پاسداری می‌کرد. اما الان وضع واقعاً فرق کرده است. آشکارا از مراجع حوزه گرفته تا طرفداران قرائت رسمی از دین در حکومت تا دانشگاهی‌ها و سکولارهای داخل و مخالفان نظام در خارج همه و همه چه از طریق نشر مقاله و مصاحبه و چه کامنت‌گذاری دارند در بحث شرکت می‌کنند و کلیپ‌های کوتاه و موثر این بحثها در دهها گروه تلگرامی دست به دست می‌شود. در واقع ما به روزگاری رسیده ایم که هر کسی "جایی" نسبتاً امن و خارج از ترس سانسور برای اعلام آرای خود دارد که این "جا" هم آن گونه که در این موضوع پیداست در اغلب موارد همین فضای سایبر است. برای فهم اینکه چه تحولی به طور پیوسته در حال رخ دادن است، لازم است وضعیت جدید سطح بحثها و تعداد شرکت کنندگان و عمومیت آن را با همین ده بیست سال پیش مقایسه کنیم؛ اولاً بحث از ماهیت وحی قرآنی در طول تاریخ کلامی نزد مسلمانان زنده بوده است و بنابراین اصل بحث چیز جدیدی نیست و ثانیاً، فروش بیش از ۱۵ سال پیش در قالب سخنرانی‌هایش و سپس تدوین کتاب بسط تجربه نبوی و سپس در آثار مصطفی ملکیان و ترجمه آثار نصر حامد ابوزید و جنود چهار سالی هم هست مجتهد شبستری در وبسایت خودشان این بحث را روزآمد باز می‌گشایند. اما اینکه یکباره چه اتفاقی رخ داده است که همه می‌خواهند در این باره ابراز "وجود" کنند نقطه انتولوژیک جالبی در خود نهفته دارد که به نظر من می‌توان از آن تعبیر به نوعی کشف اسلام ایرانی در یک حوزه عمومی پهناور تازه (=اینترنت) کرد که نه به سادگی سانسور پذیر است و نه دسترسی به آن برای جمهور مردم دشوار و بلکه گویی بر آن اصلی به نام آزادی مطلق بیان حاکم است. گویی تا حالا بخش‌هایی از وجود ما ایرانیان (مانند همین اندیشه‌های آزادی خواهانه و مستقلانه و انتقادی و تا ملحدانه نسبت به دین رایج) سانسور و بلکه مورد سرکوب بوده است ولی حالا به یکباره راهی برای ابراز این بخش‌های "وجودیمان" باز شده است. از اینجاست که ازدید من هر جا که قدرت و سلطه تا حدی ناچیز می‌شود می‌توان از ظهور و تقویت پارادایم‌های رقیب، در انواع خود و از پارادایم‌های خشونت‌گرایی بنیادگرایی نوین گرفته تا حقوق بشری و حتی فمینیستی، در درون اسلام شیعی سخن گفت.

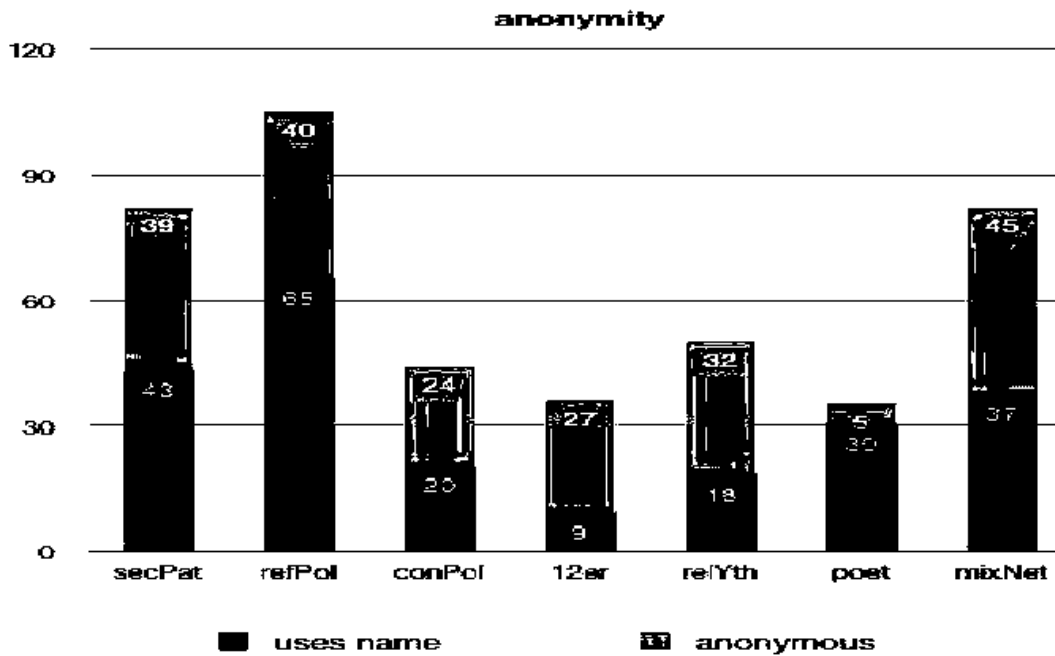
شاید شرط انصاف باشد بگوییم هنوز زمان لازم است تا اکثریت حقوق‌دانان و فقیهان از رابطه تدریسی و تحقیقی کلاسیک خویش به رابطه تعاملی میان فرهنگ اینترنت، که گفتم در آن آزادی و بی‌سانسوری اصل است، پل بزنند. اما در این نکته کمتر می‌توان شک کرد که فضای نوین سایبری، فضایی همه گیر است که حقوق و فقه ما بر اثر حضور گسترده تفکرات و نحله‌ها و آرا و جریانهای دینی و غیر دینی رادیکال، سلفی، جهادی و خشونت‌گرا و بالاخره از همه مهمتر آنچه که می‌توان از آن به پدیده "فضای سایبری عمومی ایرانی" تعبیر کرد، امکان دگرگونی خواهد داشت.

نکته آخر اینکه اندک اندک ویژگی‌های فضای سایبری ایرانی مورد توجه پژوهشگران بین‌المللی قرار گرفته است. در سال ۲۰۱۲ محققان گروه رسانه‌های نو و فرهنگ دیجیتال دانشگاه آمستردام و دانشکده ارتباطات دانشگاه پنسیلوانیا کاری تحقیق با عنوان "نقشه ایران آنلاین" منتشر کردند که جالب است. این پژوهش دست روی ویژگی‌های منحصر به فرد فضای آنلاین داخل ایران می‌گذارد. برای نمونه تفاوت‌های فاحشی را که الگوی استفاده از اینترنت ایرانیان در داخل با ایرانیان خارج دارد نمایان می‌سازد. متن کامل این پژوهش در وبگاه دانشگاه پنسیلوانیا در دسترس همگان قرار گذاشته شده است.^۱ برخی نتایج تحقیقی که در سال ۲۰۰۸ توسط جان کلی (John Kelly) و بروس اتلینگ (Bruce Etling) در دانشگاه هاروارد انجام شده بود با تحقیق مزبور سازگار است.^۲ پژوهشگران مرکز برکمن هاروارد نتایج بررسی خود را با استفاده از ابزارهای خاص نرم افزاری تحلیل محتوا و تعیین جایگاه سیاسی و اجتماعی و فرهنگی وبلاگ‌ها در نقشه فضای عمومی امروز ایران ارائه می‌کنند. مطابق دریافت این پژوهشگران یکی از پدیده‌های وبلاگستان فارسی تعداد زیاد وبلاگ‌هایی است که صاحبانشان دارای وابستگی‌های دینی‌اند یا دل‌رای تحصیلات حوزوی هستند ولی به شدت دنبال سازگاری دین با دنیای جدیدند. یکی دیگر از نتایج جالب این پژوهش میزان استفاده از اسم و مشخصات واقعی و یا مستعار در انواع قطب‌های وبلاگستان ایرانی است. بر اساس یافته‌های این تحقیق اکثر بلاگرهای مذهبی محافظه کار و عموم بلاگرهای امام‌زمانی از اسم و مشخصات غیر واقعی استفاده می‌کنند و به صورت ناشناس می‌نویسند در حالی که تعداد بلاگرهای با اسم و مشخصات واقعی در میان وبلاگ‌های سکولار و اصلاح طلب غلبه دارد (نمودار زیر از تحقیق هاروارد را ببینید)

۱. برای متن کامل اینجا را کلیک کنید

http://www.global.asc.upenn.edu/fileLibrary/PDFs/Mapping_Iran

۲. https://cyber.law.harvard.edu/publications/2008/Mapping_Irans_Online_Public



این موضوع را هم البته می‌توان مدنظر قرار داد که آیا این فرار از نشان دادن هویت واقعی، ناشی از نوعی تواضع و حجب دینی است یا دلایل دیگر سیاسی و اجتماعی نیز در آن دخیل‌اند. به هر حال به نظر می‌رسد این موضوع قابل تاملی در تفسیر فضای سایبری ایرانی می‌باشد.

سرانجام سخن اینکه به نظر می‌رسد در عین حالی که نشانه‌های روزافزونی برای این واقعیت می‌توان جست‌وجو کرد که توسعه فضای سایبر ایرانی برای تحول پارادایمی در حقوق و ققه همزمان کارکرد دارد و از این رهگذر می‌توانیم به فضایی نو از یک نظام حقوقی بازتر و کارآمدتر امیدوار باشیم، هنوز در مورد ابعاد معرفت‌شناسانه این تحول و تاثیر آن بر پویش‌های گوناگون فقهی و حقوقی در جامعه ایرانی که در حال حرکت به یک جامعه اطلاعاتی و رسانه‌ای تودرتوست، چیز زیادی نمی‌دانیم و جای مباحثه علمی و موشکافانه‌ای در درون حوزه و دانشگاه به شدت خالی است.

۱. The Oxford Handbook of Internet Studies, ed. by William H. Dutton. Oxford University Press, ۲۰۱۳
۲. Hassan Rezaei, «Islamic Sharia and Cyberspace: Reflections on Interactions of Sharia and Iranian Society in Cyberspace», in Beiträge zum Islamischen Recht IV, S. Tellenbach & T. Hanstein (Hrs.), Frankfurt, Peter Lang Verlag, ۲۰۰۴, p. ۱۰۵-۱۲۵.
۳. سایت ویکی فقهه <http://www.wikifeqh.ir> و مرکز پیشتیبانی آن <http://www.baharsound.ir/wiki>
۴. <http://hozeh.tebyan.net/newindex.aspx?pid=۹۱۱۹۹>
۵. پایگاه اینترنتی تبیان
۶. پایگاه‌های دانشکده ارتباطات دانشگاه پنسیلوانیا و مرکز برکمن کلاین برای اینترنت و جامعه در دانشکده حقوق هاروارد
- http://www.global.asc.upenn.edu/fileLibrary/PDFs/Mapping_Iran https://cyber.law.harvard.edu/publications/۲۰۰۸/Mapping_Irans_Online_Public
۷. حقیقت، سید صادق (۱۳۸۷)، روش‌شناسی علوم سیاسی، قم، دانشگاه مفید، ص ۴۶۵
۸. خبرگزاری آفتاب در تاریخ یکشنبه ۱۸ فروردین ۱۳۷۸
- <http://www.aftabnews.ir/vdccoqyboqim.html>
۹. خبرگزاری رویترز
- <http://www.reuters.com/article/us-iran-cyber-telegram-exclusive-idUSKCN۱۰D۱AM>
۱۰. فصلنامه کتاب زنان <http://www.ketabezanan.com>
- و اصل مقالات در <http://www.hawzah.net/fa/Article/View/۸۷۴۰۶>
۱۱. گزارش مورخ ۲۶ ژانویه ۲۰۱۶ عفو بین‌الملل
- <https://www.amnesty.org/en/latest/news/۲۰۱۶/۰۱/irans-hypocrisy-exposed-as-scores-of-juvenile-offenders-condemned-to-gallows/>
۱۲. مجتهد شبستری، محمد (۱۳۸۳) تاملاتی بر قرائت انسانی از دین، تهران، طرح نو
۱۳. مرکز آموزش مجازی حوزه علمیه <http://vu.whc.ir>



The Relationship between Cyberspace and Developments in Jurisprudential-Legal Understandings in Iran Today

Hassan Rezaei¹

Abstract

Interrelationships between Understandings of Islamic-Iranian Law and the Development of Cyberspace in Iran Today

The technical and intellectual world of most of the Iranian Muslim jurists is going through a serious change due to increasing interaction with new information technologies, especially internet and social media. This phenomenon can be defined as a kind of ever-digitalization process of law and Fiqh that increasingly is developing in a variety of ways and forms. The article will examine some real cases of changes in jurisprudential understandings due to this phenomenon. It will also explore on forms and qualities of the interactions between Iranian-Muslim legal scholars, Muslim jurists and theologians in the ever-expanding Iranian cyberspace. The underlying assumption of the paper is that Iranian legal and jurisprudential world, in continuous interaction with the new media- while confronting the interconnected social issues like as human rights, is able to develop in a paradigmatic way with the use of cyberspace. Compared to the current situation, this paradigm shift will be a transition from a scholastic, static, governmental and non-comparative legal and jurisprudential knowledge to a more human rights-based, comparative, open and plural one. This contribution elaborates on some scenes of this shift in the Iranian public sphere as reflected in internet.

Keywords: Cyberspace; Digitalized and Networked Public Sphere, Iranian-Muslim Jurists; Islamic Law; Paradigm Change; Iranian Internet



1. PhD in Criminal Law from Tarbiat Modares University of Tehran And a researcher in comparative criminal law from the University of Freiburg, Germany